

مقاله پژوهشی

بهبودبخشی بسترهای تاریخی و طبیعی شهری با بهره‌گیری از رویکرد منظر فرهنگی

محمدصادق فلاحت^{۱*}، مریم کلامی^۲، مهدیس نجات^۳

۱- دانشیار گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

۲- استادیار گروه معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

۳- فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد معماری، دانشکده مهندسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران.

چکیده

هسته اولیه بسیاری از شهرها در زمینه تاریخی و طبیعی شکل گرفته و رشد یافته است که می‌توان آن را بستر نامید. به‌مرور زمان، با گسترش شهرها و تحولات تکنولوژیکی، اقتصادی و جمعیتی این بسترها به حاشیه رانده و به بافت‌هایی ناکارآمد و نیمه‌فعال تبدیل شده‌اند. از آنجا که بهبودبخشی، مجموعه اقداماتی است که با هدف تقویت ویژگی‌های مثبت بافت‌ها و بناها انجام می‌شود و از طرفی توانمندی‌های بالقوه تاریخی و طبیعی، نقاط قوت این بسترها هستند، تقویت این نقاط قوت باعث ساماندهی و بازآبادانی بسترهای تاریخی و طبیعی می‌شود. نظر به اینکه منظر فرهنگی، هم‌زمان به طبیعت و فرهنگ توجه دارد و این دو وجه بن‌مایه‌های مشترک میان منظر فرهنگی و بسترهای تاریخی و طبیعی هستند، رویکرد مؤثری در بهبودبخشی و تقویت بسترهای شهری است. هدف این پژوهش این است که چه مؤلفه‌هایی از منظر فرهنگی باعث تقویت ویژگی‌های فضایی، عملکردی و فرهنگی و در نهایت بهبودبخشی این بسترها می‌شود. بر این اساس پژوهش با واکاوی در مفهوم منظر فرهنگی و توضیح و تشریح آن و در نهایت با تبیین ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی، مؤلفه‌های کاربردی مؤثر را از آن‌ها استخراج کرده است. روش پژوهش این مقاله کیفی و تحلیلی است. با گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای، مرور نظریات، اسناد و کنوانسیون‌ها انجام شده و بعد از تحلیل مفاهیم، به تبیین ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی و در نهایت مؤلفه‌های کاربردی برآمده از آن‌ها پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان‌دهنده آن است که وحدت ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی، سه مؤلفه‌ی کاربردی اصالت و یکپارچگی-خوانایی، اصالت و یکپارچگی-انعطاف‌پذیری و اصالت و یکپارچگی-خاطره‌انگیزی به دست می‌دهد که هر کدام به ترتیب بر تقویت ویژگی‌های فرمی-کالبدی، عملکردی-فعالیتی و فرهنگی-اجتماعی مؤثر بوده و از این رهگذار فرم، عملکرد و معنای بسترهای تاریخی و طبیعی شهرها احیاء شده و بهبودبخشی و بازآبادانی آن‌ها محقق می‌شود.

تاریخ دریافت:

۲۱ آبان ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۱۱ خرداد ۱۴۰۳

کلیدواژه‌ها:

منظر فرهنگی،

بهبودبخشی بسترهای تاریخی

- طبیعی،

پیدایش و تداوم منظر فرهنگی،

doi : 10.22034/ahdc.2024.20860.1775

E-ISSN: 2645-372X /© 2023. Published by Yazd University This is an open access article under the CC BY 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



۱- مقدمه

بسترهای^۱ تاریخی - طبیعی همچون باغ‌ها و باغستان‌ها فضاهایی شهری با قدمتی تاریخی هستند که به سبب ماهیت طبیعی خود از ویژگی‌های ارزشمند طبیعی نیز برخوردارند. این بسترها در رهگذار توسعه شهری به حاشیه شهرها رانده شده‌اند و یا در مراکز شهرها دچار فراموشی و آسیب گشته و حیات و سرزندگی کارکردی و اجتماعی خود را از دست داده‌اند. از آنجاکه بهبودبخشی^۲ در اصطلاحات مرمت شهری به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که باعث تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی فضا، مجموعه و بنا شود و بر استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود تأکید دارد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۸۱، ص ۶) می‌توان با بهره‌مندی از ویژگی‌های تاریخی که آداب‌ورسوم، خاطرات و فرهنگ مردمان این بسترها را در خود مستتر دارد و ویژگی‌های طبیعی که به طبیعت و محیط طبیعی این بسترها اشاره می‌کند، بهبودبخشی و بازآبادانی این بسترها را میسر نمود و حیات اجتماعی را به آن‌ها بازگرداند. در این راستا، منظر فرهنگی از مفاهیمی است که به تعامل فرهنگ و طبیعت پرداخته و نگرش مؤثری برای بهبودبخشی و تقویت ویژگی‌های تاریخی و طبیعی است. تعامل بین ویژگی‌های فرهنگی با ویژگی‌های طبیعی در این بسترها، پیوندی بین مردم و محیط، بین انسان و طبیعت ایجاد می‌کند که در آن هم فرهنگ مردمان احیاء شده و هم طبیعت این بسترها حیاتی دوباره می‌یابند که در نهایت موجب تجدید حیات اجتماعی شهر و پویایی و نشاط فضاهای شهری خواهد شد.

در راستای حفاظت از آثار و محوطه‌های فرهنگی و تاریخی، منشورها و کنوانسیون‌های متعددی تدوین و منتشر شده است. کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی و طبیعی که در سال ۱۹۷۲ تصویب شد، هدف از این کنوانسیون را اطمینان از شناسایی، حفاظت، حراست، ارائه و انتقال میراث فرهنگی و طبیعی دارای "ارزش برجسته جهانی" به نسل‌های آینده بیان می‌کند (UNESCO, 2009, p. 19). تعامل فرهنگ و طبیعت در منظر فرهنگی، وجه مشترکی است که نظریه‌پردازان بر آن تأکید دارند. به گفته آلن (Aalen et al., 2011, p. 5) منظر فرهنگی روایتی است از لایه‌های درهم‌تنیده تاریخ و طبیعت و در تعبیری دیگر، منظر فرهنگی بازتابی است از تعامل میان مردم و محیط طبیعی آن‌ها در طول فضا و زمان (Plachter and Rössler, 1995, p.15). در ادامه نورا میشل (Mitchell, 2008) ادعان می‌دارد که اصالت منظرهای فرهنگی، تعامل و برهم‌کنش ارزش‌های ملموس و ناملموس و رابطه پویای میان فرهنگ و طبیعت را نشان می‌دهد. از این رو می‌توان گفت که تعامل انسان با طبیعت، دو جنبه ملموس و ناملموس دارد (عینی‌فر و عشرتی، ۱۳۹۶، ص ۸۵). ارزش‌های ملموس و ناملموس در مطالعات متعددی مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منظر فرهنگی را تشکیل داده‌اند که ارزش‌های ناملموس شامل جشن‌ها، رقص‌ها، مراسم عبادی و زیارتی، فعالیت‌های سنتی و ... و ارزش‌های ملموس نیز دربرگیرنده سیستم‌های طبیعی، توپوگرافی، پوشش گیاهی، سازه‌ها و ساختمان‌های منظر غیرمسکونی، ساختارهای سکونت پذیر و ... هستند (O'Donnell, 2008, pp. 3,6).

این پژوهش ضمن بهره‌گیری از مفهوم ارزش‌ها و با نگاهی دیگر به مفهوم منظر فرهنگی، بر آن است تا مؤلفه‌های منظر فرهنگی را در دو تراز تکوین و پیدایش، تداوم و استمرار ارزش‌های منظر فرهنگی تبیین کند و از رهگذار تبیین و تلفیق مؤلفه‌های این دو تراز، مؤلفه‌های کاربردی مؤثری برای بهبودبخشی ویژگی‌های فرمی، فعالیتی و فرهنگی بسترهای تاریخی و طبیعی ارائه دهد. در نیل به این هدف، تلاش شده با مراجعه به اسناد و متون و مرور آرا و اندیشه‌های نظریه‌پردازان، شناخت دقیقی از مفهوم منظر فرهنگی ارائه شود و با روش تحلیل محتوایی، به تبیین ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی و مؤلفه‌های کاربردی برآمده از آنها پرداخته شود. مؤلفه‌های کاربردی منظر فرهنگی و اقدامات متناظر آن در بهبودبخشی، سبب تقویت ویژگی‌های فرمی، فعالیتی و فرهنگی بسترها شده و سرزندگی و بازآبادانی آن‌ها را محقق می‌کند.

پرسش‌های تحقیق

- ۱- چگونه می‌توان با رویکرد منظر فرهنگی، ویژگی‌های فضایی، عملکردی و فرهنگی بسترهای تاریخی و طبیعی شهری را بهبود بخشید؟
- ۲- مهم‌ترین مؤلفه‌های منظر فرهنگی که در بهبودبخشی بسترهای ارزشمند شهری مؤثر هستند، کدام‌اند؟

۲- پیشینه تحقیق

منظر، مفهومی پیچیده از دو مفهوم پیچیده دیگر است، یکی فرهنگ و دیگری طبیعت. جایی که این دو باهم تلاقی کرده و تناور می‌شوند، منظر پدیدار می‌گردد. همان‌طور که شاما^۳ توضیح می‌دهد: " مناظر پیش از آنکه موضوعی از جنس طبیعت باشند، موضوعی فرهنگی هستند؛ سازه‌هایی از تخیل که روی چوب و آب و سنگ نقش بسته‌اند (Konijnendijk, 2008, p:2) مفهوم منظر فرهنگی را نخستین بار اوتو اشلوتر^۴، جغرافیدان آلمانی، در اوایل دهه ۱۹۰۰ به کار گرفت؛ هدف اصلی او در مسائل جغرافیایی، بیان مورفولوژی منظر به‌عنوان محصول فرهنگی بود. اشلوتر ضمن تأکید بر جنبه‌های ملموس فرهنگی، بر مفاهیم غیرملموس از جمله زبان، سنت، مذهب و سایر ارزش‌های تداعی‌گر چشم پوشید. پس از وی کارل سائور^۵ در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، اقدامات اشلوتر را در زمینه مورفولوژی منظر ادامه داد. وی در مطالعات خویش، میان منظر طبیعی و منظر فرهنگی تفاوت قائل شد (میرزاد جهرمی، پورجعفر و حاجی‌پور ۱۴۰۰، ص ۲۳۲). از این زمان به بعد، منظر فرهنگی به‌منزله مفهومی مشترک در رشته‌های وابسته به مطالعات محیطی شناخته شد؛ از این‌رو، از زوایای مختلف مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت و تعاریف متفاوتی را نیز به خود پذیرفت (عینی‌فر و عشرتی، ۱۳۹۶، ص ۸۴). مرکز میراث جهانی یونسکو نخستین متولی بین‌المللی حفاظت منظرهای فرهنگی، منظر فرهنگی را ترکیبی از فعالیت انسان و طبیعت تعریف می‌کند. منظرهای فرهنگی، گویای سیر تکامل جوامع و سکونت‌گاه‌هایشان در طول زمان تحت تأثیر فشارها و یا فرصت‌هایی هستند که محیط طبیعی یا نیروهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی داخلی و خارجی به‌صورت مداوم ایجاد می‌کنند (UNESCO World Heritage Center, 1992, p36). کنوانسیون منظر اروپا منظر را چنین تعریف می‌کند: "منظر، منطقه‌ای است که مردم آن را درک می‌کنند و خصیصه آن نتیجه کنش و تعامل عوامل طبیعی و یا انسانی است". منطقه‌ای که ویژگی‌های آن، ناشی از تعامل مؤلفه‌ها انسانی و طبیعی بوده و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه شهری را در بر می‌گیرد. (Konijnendijk, 2008, p2). در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی، افزایش علاقه و توجه بین‌المللی در طول دو دهه گذشته بر مناطق شهری متمرکز شده است. در بسیاری از جوامع و حداقل در آسیا، نیاز به توسعه اقتصادی، برای تلاش‌های مدرنیزاسیون که منجر به از دست دادن جوامع سنتی می‌شود، امتیاز قائل شده است. همراه با این امر، تمرکز در زمینه حفاظت شهری بر روی ساختمان‌ها و بناهای مشهور بوده است، به‌جای اینکه شهرها را جوامعی از مردم با ارزش‌ها و نظام اعتقاداتی ببینیم که در محیط کلی شهر یعنی منظر فرهنگی آن، منعکس می‌شوند (Taylor, 2008, p58). تیلور، کلر و میشل (۲۰۱۴) در کتاب خود، حفاظت و بهبودی منظر فرهنگی را نیازمند رویکردی پویا و چندوجهی می‌دانند که لازم است به‌طور هم‌زمان ارزش‌های فرهنگی و طبیعی را مورد توجه قرار دهد و پیوند محکمی با ارزش‌ها و ویژگی‌های مکانی آن‌ها برقرار کند. بهبود بخشی از طریق منظر فرهنگی امری چندجانبه و میان‌دانشی است و نیازمند توجه به ویژگی‌های چندلایه منظر است. چنان‌که طالبیان و فلاح (۱۳۸۸) نیز موضوع حفاظت از منظر فرهنگی را امری چند رشته‌ای می‌دانند که در محقق شدن آن حوزه‌های مختلفی مشارکت دارد. بهبود بخشی بسترهای تاریخی _ طبیعی بدون توجه به ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی میسر نیست، رویکرد منظر فرهنگی که بر هر دو مؤلفه طبیعت و فرهنگ نظر دارد می‌تواند راهی بر توسعه و بهبودی این بسترها بگشاید. نگرش منظر فرهنگی به بسترهای تاریخی و طبیعی، بن‌مایه‌های نهفته فرهنگی و ارزش‌های بالقوه طبیعی را آشکار و به فعلیت می‌رساند. این رویکرد، تغییرات کالبدی و غیر کالبدی این بسترها را در گذر زمان کنترل کرده و مانع از این می‌شود که تغییرات اصل و ماهیت ارزش‌های بستر را دگرگون کند.

۳- روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش تحقیق کیفی و بر اساس روش تحلیل محتوایی انجام شده است. با مراجعه و مرور اسناد، کنوانسیون‌ها و همچنین بررسی نظرات اندیشمندان در زمینه مفاهیم منظر فرهنگی، چگونگی پیدایش منظر فرهنگی و حفاظت از ارزش‌های آن، مفهوم بهبود بخشی و بسترهای تاریخی و طبیعی شهری، به طرح مسئله، بررسی، بحث و

نتیجه‌گیری پرداخته است. روش تحقیق در این مقاله، روشی کیفی است و از شیوه جمع‌آوری اطلاعات به صورت اسنادی، مبتنی بر جمع‌آوری آخرین اطلاعات از کتب، مجلات و مقالات استفاده شده است.

۴- بسترهای تاریخی و طبیعی شهرها

در دهه‌های اخیر سرعت بی‌قاعده تغییرات شهری، جوامع و دولت‌ها را با چالش‌های جدیدی در نحوه مدیریت شهری مواجه کرده است. توصیه یونسکو در مورد منظر تاریخی شهری نشان‌دهنده تغییر قابل توجه در نحوه ترسیم رویکرد خود به مسائل حفاظت شهری و ارتباط آن‌ها با توسعه شهری است. این رویکرد جدید، از گرایش یادمانی و زیبایی‌شناختی به دیدگاه بوم‌شناختی گسترده‌تر حرکت کرده است (Smith 2015, p. 221). در چنین وضعیت در حال تغییری مدیریت منابع میراثی از تأکید بر یادمان‌های معمارانه به سوی رویکردی فراگیرتر سوق یافت تا با درک بهتر فرایندهای اجتماعی و اقتصادی در حفاظت از ارزش‌های شهری مفاهیمی مانند ناملموس، بستر، زمینه، توسعه و توسعه پایدار را در برگیرد (جعفرپورناصر، اسفنجاری، طیبیان، ۱۳۹۹).

یونسکو طی دستورالعمل‌های اجرایی برای کنوانسیون میراث جهانی (UNESCO, 2021, p. 35) تا حدودی ویژگی‌های بستر را توضیح داده و آن را شامل توپوگرافی، محیط طبیعی و مصنوع و عناصر دیگر مانند زیرساخت‌ها، الگوهای استفاده از زمین، سازمان فضایی و روابط بصری عنوان کرده و ادامه می‌دهد که ممکن است بسترها، فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط، فرایندهای اقتصادی و دیگر ابعاد ناملموس میراث مانند ادراکات و ارتباطات را در بر گیرند و در جای دیگر (UNESCO, 2021, p. 105) از جنبه‌های مهم بستر، به باغ‌ها و پارک‌ها اشاره می‌کند. با توجه به دیدگاه‌های اجتماعی - فرهنگی زندگی شهری، بسترهای شهری توصیف‌کننده محلات و منظرهای شکل گرفته از طریق آداب‌ورسوم فرهنگی و روابط اجتماعی است. مفهوم بستر شهری دلالت بر درک این نکته دارد که ساکنان چگونه و به چه طریقی از طریق فضاهایی که در آن زندگی می‌کنند، معنای مکان را می‌سازند. چنین فضاهایی ممکن است شامل یک ساختمان فیزیکی، یک پارک اجتماعی و حتی یک موقعیت جغرافیایی مانند گوشه خیابان باشد (Conley, 2017, p. 2).

بسترهای تاریخی و طبیعی، فضاهایی شهری هستند که به واسطه قرارگیری در زمینه گسترده‌تر و پیوند کالبدی، عملکردی و معنایی با بناها و مجموعه‌های تاریخی، بر تاریخ و فرهنگ زمینه خود دلالت دارند و به تبع ماهیت طبیعی و بهره‌مندی از ویژگی‌های منظرین به طبیعت نیز اشاره می‌کنند. از نمونه‌های گویا و روشن این بسترها، باغ‌ها و بوستان‌های زنجان و قزوین هستند که در هم‌جواری با رودها و چاه‌های آب، هسته اولیه این دو شهر را شکل داده‌اند و با عبور خط آهن در توسعه‌های آتی شهر، این باغ‌ها و بوستان‌ها به حاشیه رانده شده‌اند. این بسترها را می‌توان با اقداماتی از جمله بهبودبخشی در فرایند بهسازی قرارداد و موجب بازآبادانی و سرزندگی آن‌ها شد.

۵- مفهوم بهبودبخشی و روش‌های اقداماتی آن

حبیبی و مقصودی (۱۳۸۶) در کتاب مرمت شهری با نگاهی فرایندگرا به ارائه روش‌هایی برای مرمت شهری پرداخته‌اند و سه فرایند اصلی بهسازی، بازسازی و نوسازی را برای مرمت شهری تبیین کرده‌اند. فرایند بهسازی مجموعه اقداماتی است که به منظور بهبود کالبد که در نتیجه فرسایش فعالیت تحقق یافته است، در کوتاه‌مدت صورت می‌پذیرد. بهسازی به معنای فرآیند برگرداندن یک دارایی به روالی سودمند از طریق تعمیر یا تغییر است که استفاده امروزی پربازده را میسر می‌سازد، درحالی که وضعیت موجود آن قسمت‌ها و ظواهری از ملک که از نظر ارزش‌های تاریخی، معماری و فرهنگی پراهمیت هستند را تثبیت می‌نماید (بنیادی، ۱۳۹۰، ص. ۱۳۳).

بهبود، سازمان‌دهی و بازآبادانی یکی از اقداماتی است که در راستای فرایند بهسازی انجام می‌گیرد و به مجموعه فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که باعث تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی فضا، مجموعه و بنا شود. این اقدامات با تأکید و با استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود در فضا، مجموعه یا بنا، سعی در کاهش محدودیت‌ها و کاستی‌ها دارد و می‌تواند مسائل اجتماعی، اقتصادی، مالی - فنی، اداری - اجرایی و کالبدی - فضایی را دربر گیرد (حبیبی،

مقصودی، ۱۳۸۶، ص ۱۹۰). در این پژوهش، بهبودبخشی بسترهای تاریخی و طبیعی بر اقدامات کالبدی _ فضایی، عملکردی _ فعالیتی و اجتماعی _ فرهنگی تأکید دارد.

۶- مفهوم منظر فرهنگی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های آن

اصطلاح منظر فرهنگی به رابطه میان انسان و محیط پیرامون او و نحوه شکل‌گیری این رابطه می‌پردازد و هر آنچه در این رابطه مؤثر است را شامل می‌شود. سائور معتقد است، "منظر فرهنگی، نتیجه و حاصلی برگرفته از منظر طبیعی توسط اجتماع فرهنگی است؛ به تعبیر دیگر، فرهنگ به‌عنوان نماینده، محیط طبیعی در نقش واسطه و منظر فرهنگی که نتیجه تعامل این دو است. تحت تأثیر فرهنگ اعمال شده که در گذر زمان تغییر نموده، منظر دستخوش دگرگونی شده و سرانجام به چرخه توسعه می‌رسد" (Sauer, 1925, p.343). پیتر فولر نیز منظر فرهنگی را نتیجه تعامل انسان با محیط‌زیست پیرامونش می‌داند و ... بر میزان تأثیر ارزش‌های فرهنگی در منظر فرهنگی تأکید می‌کند (Fowler, 2001, pp. 64-69). منظر فرهنگی جایی است که در آن طبیعت و فرهنگ به هم گره خورده‌اند و به‌طور مشخص به یک مکان با ویژگی‌ها و ارزش‌های خاص تاریخی، فرهنگی و طبیعی اشاره می‌کند که علاوه بر اینکه پوشش گیاهی، ساختار زمین‌شناسی، توپوگرافی، تأسیسات زیرزمینی، نوع خاک، سیستم آب‌رسانی و سایر ویژگی‌های طبیعی را در برمی‌گیرد؛ ارزش‌های فرهنگی مثل رویدادهای تاریخی، فعالیت‌ها، اشخاص، خاطرات جمعی، باورها و آیین‌ها و ... را نیز شامل می‌شود. منظر فرهنگی، تمامی ویژگی‌های میراث ملموس^۶ و ناملموس^۷ و تنوع‌های زیست‌محیطی و فرهنگی را شامل می‌شود. این مفهوم با طیف گسترده‌ای از مفاهیم، دانش‌ها و رویکردهای مختلف در ارتباط است.

ارتباط و تعامل میان طبیعت و انسان از طریق ادراک و شناخت هریک از این دو میسر است. چنانچه گل‌کار نیز در تأیید این سخن اذعان می‌کند که رابطه‌ای دوطرفه میان ویژگی‌های محیط با ادراک^۸، شناخت^۹، ارزیابی و رفتار انسان وجود دارد. در مرحله نخست محیط و یا منظر شهری هندسه و ویژگی‌های ملموس خود، نظیر ویژگی‌های بصری، صوتی، بو و غیره را در معرض حواس پنج‌گانه انسان قرار می‌دهد و به‌اصطلاح محیط شهری توسط فرد مورد "ادراک" قرار می‌گیرد. در مرحله دوم، محیط شهری توسط فرد مورد "شناخت" قرار می‌گیرد. در این مرحله ذهن فرد بر اساس داده‌های محیطی، طرح‌واره‌های^{۱۰} ذهنی، تجارب و خاطرات قبلی، تصویری از محیط ساخته و معنای معینی را به محیط الصاق می‌کند. در مرحله سوم، ذهن فرد بر اساس شناختی که از محیط به دست آورده و بر مبنای فرآیندهای تأثیری و ارزیابانه نسبت به محیط واکنش عاطفی مثبت و یا منفی پیدا می‌نماید. نهایتاً در مرحله چهارم از تعامل میان محیط شهری و انسان، فرد بر مبنای محتویات منظر ذهنی - ارزیابانه خود که نشان‌دهنده احتمال رویدادهای محتمل‌الوقوع در محل است، به رفتار معینی دست می‌زند (گل‌کار، ۱۳۹۰). دو مرحله اول برای بروز مرحله سوم به خدمت گرفته می‌شوند. آنچه به‌صورت بنیادین در شکل‌گیری این فرآیند مهم به نظر می‌رسد، مرحله ادراک و شناخت است. محیط دارای ویژگی‌ها و ارزش‌های فرهنگی و طبیعی از یک‌سو و انسان حامل اندیشه و الگوهای ذهنی نسبت به محیط طبیعی پیرامون خود از سوی دیگر، توانایی برقراری ارتباط با یکدیگر را از طریق ادراک و شناخت دارند. وجود محرک‌های محیطی و انسانی در فضاهای شهری در دو مرحله ادراک و شناخت نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این محرک‌ها علاوه بر تسهیل مسیر تعامل، ارتباط عمیق و مستمری را برقرار می‌کنند. در واقع سازمان‌دهی پیام‌های دریافتی بر مبنای قواعد و قالب‌های ذهنی، طی فرایند ادراک سبب روشن شدن معانی محیط شده و با پیشرفت رابطه حسی معنایی انسان با فضا، حس تعلق نسبت به آن فضا افزایش می‌یابد (فلاح و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۸).

علاوه بر این گیسون قابلیت را مجموعه‌ای از توانش‌های محیط و در برگیرنده رابطه انسان و محیط بیان می‌کند، لذا می‌توان قابلیت‌های محیط^{۱۱} را از محرک‌های مرحله ادراک عنوان کرد. بر این اساس زمانی که محیط توانایی‌ها و ویژگی‌های خود را بیشتر در معرض حواس مخاطب قرار دهد، مرحله ادراک عمیق‌تر رخ خواهد داد. همچنین از آنجاکه لینچ تصویرهای ذهنی^{۱۲} را حاصل جریان دوسویه انسان و محیط می‌داند که منجر به تفسیر اطلاعات می‌شود، از محرک‌های مرحله شناخت معرفی می‌شوند. از این‌رو زمانی که محیط بتواند الگوها و طرح‌واره‌های موجود در ذهن مخاطب را زنده کند

و یا از نو بسازد، مرحله شناخت هموارتر و دقیق‌تر اتفاق می‌افتد. با توجه به مطالب ذکر شده، دو محرک قابلیت‌های محیطی و تصویرهای ذهنی را می‌توان در راستای برقراری تعامل انسان و طبیعت در منظر فرهنگی به کار گرفت تا در بسترهای تاریخی - طبیعی ارزشمند که به حالت نیمه‌فعال (ازلحاظ تعامل با مخاطب) باقی مانده‌اند، ویژگی‌ها و ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی مجدداً ظهور پیدا کنند و ریشه بدوانند.

لازمه حفاظت از منظر فرهنگی، شناخت دقیق و جامع ارزش‌های آن است. عدم آگاهی نسبت به این ارزش‌ها موجب می‌شود تا بسیاری از ابعاد ارزشی منظر فرهنگی مغفول بماند و به دنبال آن بسترهای دربرگیرنده این ارزش‌ها در معرض نابودی قرار گیرند. تیلور ارزش‌های منظر فرهنگی را در دودسته ملموس و ناملموس طبقه‌بندی می‌کند و ارزش‌های ناملموس را در ارزش‌های اجتماعی جای می‌دهد (تیلور و دیگران، ۲۰۱۴). فرانچسکو باندترین نیز در تأکید بر ارزش‌های ناملموس در حفاظت منظر فرهنگی بیان می‌کند که حوزه میراث فرهنگی محدود به بناها، سایت‌های باستان‌شناسی و مجموعه اشیاء نیست بلکه شامل سنت‌ها و شیوه زندگی به ارث رسیده از اجداد ما است مانند آیین‌های شفاهی، هنرهای نمایشی، فعالیت‌های اجتماعی، جشن‌ها، دانش طبیعی و جهانی و دانش تهیه محصولات بومی در مجموع به‌عنوان ارزش‌های ناملموس تعریف می‌شوند (Bandarin and Van Oers, 2014, p.130). بسترهای تاریخی - طبیعی شهری شامل توپوگرافی، ویژگی‌های هیدرولوژیک، زیرساخت‌ها، الگوهای استفاده از زمین و سازمان فضایی، ادراک و ارتباطات بصری، ویژگی‌ها و عناصر طبیعی و مصنوع، چه تاریخی و چه معاصر و همچنین اقدام‌ها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی ابعاد ناملموس میراث هستند (UNESCO, 2011). عناصر ارزشی ناملموس بیان‌کننده ماهیت، شخصیت و هویت بستر دربرگیرنده منظر فرهنگی است و باید همانند عناصر ملموس و کالبدی، حفاظت گردند.

انسان از طریق دو نوع مداخله کالبدی و غیر کالبدی در طبیعت بر آن اثر می‌گذارد و این دو نوع مداخله منشأ و نحوه شکل‌گیری ارزش‌های ملموس و ناملموس را نمایان می‌سازد. گزارش‌های موسسه گتی در سال ۲۰۰۲ به این نکته اشاره دارد که هدف نهایی حفاظت و بهبودی مواد به خاطر خود آن‌ها نیست بلکه حفظ و شکل‌دهی ارزش‌هایی است که در میراث فرهنگی جای دارند، مداخلات و رفتارهای کالبدی یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف است (Worthing and Bond, 2008, 47).

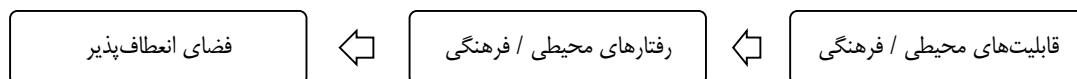
تلقی منظر فرهنگی به‌عنوان محل تجلی ارزش‌های ناملموس و معناهای انسانی است که وجود و حضور انسان‌ها را شکل می‌دهد و به گفته دوراتلی معنای فرهنگی میراث بخش مهمی از ویژگی‌های ذاتی میراث فرهنگی است که نقش مهمی در تداوم حافظه شهرها و جوامع ایفا می‌کند (پورسراجیان، ۱۳۹۵، ص. ۱۷۰). لازم است به این امر توجه داشت که عناصر ارزشی غیرملموس به عناصر ارزشی ملموس معنا می‌بخشند، از این‌رو وجود هر یک بدون دیگری معنا نخواهد داشت و حضور هر دو در منظر فرهنگی ضروری است. رویکرد منظر فرهنگی درصدد ایجاد تعادلی است میان حفاظت از ارزش‌ها و توسعه آن‌ها که این هدف از طریق حفظ ارزش‌های ملموس و ناملموس در شهر محقق می‌شود. حفظ و انتقال این ارزش‌ها به نسل آینده زمینه حیات بسترهای تاریخی - طبیعی را فراهم می‌کند.

۷- مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده منظر فرهنگی

در صورتی که بسترهای تاریخی و طبیعی به‌مثابه منظر فرهنگی نهفته در نظر گرفته شود برای فعال کردن و احیاء نمودن منظر فرهنگی در گام نخست لازم است ارزش‌های منظر کشف شود و در گام بعدی شناخت این ارزش‌ها منجر به پیدایش مجدد آن‌ها شده و در گام نهایی تمامی این ارزش‌ها - ارزش‌های اولیه و ارزش‌های ثانویه - حفظ شوند و به نسل آینده منتقل شوند تا بار دیگر در معرض زوال و نابودی قرار نگیرند. ارزش‌های اولیه و ارزش‌های ثانویه و یا به‌عبارت‌دیگر ارزش‌های موجود و ارزش‌های اضافه‌شده، خود را در مؤلفه‌های پیدایش و حفاظت از منظر فرهنگی مطرح می‌کنند، به این معنی که چگونگی پیدایش این ارزش‌ها و نحوه حفاظت از آن‌ها تعیین‌کننده مؤلفه‌های مؤثر در پیدایش منظر فرهنگی هستند که در ذیل به آن‌ها پرداخته می‌شود.

۷-۱- مؤلفه‌های مؤثر در پیدایش منظر فرهنگی

با توجه به مباحث قبلی، مهم‌ترین عوامل مؤثر در پیدایش منظر فرهنگی قابلیت‌های محیط و تصویرهای ذهنی است. **قابلیت‌های محیط:** قابلیت‌های محیطی و فرهنگی بسترهای تاریخی و طبیعی مسبب نگرش منظر فرهنگی در آن‌ها شده است. تقویت و افزایش قابلیت‌های محیطی و فرهنگی زمینه تعامل انسان و این بسترها را فراهم کرده و تعامل آن‌ها موجب احیای این بسترها شده و منظر فرهنگی نهفته آن‌ها را به ظهور می‌رساند. میان میزان قابلیت‌های یک محیط و تعدد رفتارهای انسانی در آن محیط نسبتی مستقیم وجود دارد، فعالیت‌ها و رفتارهای انسان به میزان قابلیت‌هایی است که محیط ارائه می‌دهد. رفتارها در محیط لازم است به گونه‌ای طرح‌ریزی شوند که محیط‌گویای رفتارهای بالقوه و بالفعل در خود باشد. به منظور افزایش قابلیت‌های محیط می‌توان تعداد رفتارهای ناشی از آن‌ها را افزود. همان‌طور که هربرت هرترز برگر (Hertzberger, 1991, p.177) تأکید می‌نماید که یک شیء، به‌طور کلی از عهده رفتارهای مختلفی برای یک جاندار مشخص برمی‌آید. بدین معنی که برای یک شیء یا یک فضا، تنها یک رفتار و هدف مشخص و ثابتی در نظر گرفته نشود و با توجه به ویژگی‌های خود چندین رفتار و هدف را تأمین کند. این رفتارها تحت عنوان رفتارهای چندگانه شناخته می‌شوند. رفتارهای چندگانه در افزایش قابلیت‌های بسترهای تاریخی - طبیعی به نحو مؤثری عمل می‌کنند. با توجه به قابلیت‌های محیطی و فرهنگی این بسترها، فعالیت‌ها به‌طور عمده در دودسته کلی محیطی و فرهنگی تعریف می‌شود. ترکیب این دودسته رفتار است که فعالیت‌های چندگانه را به سهولت به مرحله ظهور می‌رساند.



تصویر ۱: فرایند دستیابی به فضای انعطاف‌پذیر از عامل قابلیت‌های محیط

امکان بروز رفتارهای چندگانه در قالب فضاهای انعطاف‌پذیر^{۱۳} به سهولت فراهم می‌شود. به بیان دیگر هرچه قابلیت‌های موجود در یک محیط افزایش یابد، امکان رفع طیف بیشتری از نیازهای افراد فراهم می‌آید که در چنین مواردی می‌توان آن محیط را یک محیط انعطاف‌پذیر از منظر ادراکی قلمداد کرد (لنگ، ۱۳۸۸)؛ بنابراین یکی از مؤلفه‌های محیطی مؤثر در پیدایش منظر فرهنگی را می‌توان فضای انعطاف‌پذیر نام برد.

تصویرهای ذهنی: انسان محیط خود را از طریق برداشتها و تفسیرهای ذهنی که از آن دارد، تجربه می‌کند. به باور لینچ تصویر ذهنی، تصور انسان از محیط دربرگیرنده خود است. تصویر ذهنی را به داده‌های مختصری که افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع برای مشاهده، درک و بازنمایی پدیده درک شده در جهان واقع، در ذهن خود خلق کرده و از آن استفاده می‌کنند، تعبیر نموده‌اند (Zelie, et al. 2015, b). اگر محیط بتواند تصویر ذهنی انسان را - آنچه در ذهن انسان از حضور در محیط نقش بسته - تداعی و بازآفرینی کند، پیوند و تعامل میان انسان و محیط برقرار شده و این تعامل سرمنشأ پیدایش منظر فرهنگی خواهد بود.

تصاویر ذهنی را بر پایه دو وجه فضایی و غیر فضایی می‌توان بازیابی کرد. در وجه فضایی تحت تأثیر ویژگی‌های محیطی، می‌توان از مفهوم وضوح و خوانایی که لینچ بدان اشاره می‌کند، جهت غنابخشی به تصویرسازی ذهنی بهره‌مند شد. از طریق مفهوم خوانایی^{۱۴} می‌توان محیط کالبدی را شناخت و سپس در آرامش خاطر با آن تعامل برقرار کرد، بدین ترتیب تصاویر ذهنی حاصل از آن نیز بیشتر و دقیق‌تر شکل خواهند گرفت. در وجه غیر فضایی، احساسات و واکنش‌های عاطفی در قالب مدل‌های ذهنی و طرح‌واره‌ها تحت تأثیر ویژگی‌های فرهنگی و درونی، ساختارهای ذهنی را شکل می‌دهند. در حقیقت میزان و کیفیت تداعی خاطرات و بازنمایی ساختارهای ذهنی در محیط بر تصویرسازی‌ها اثر می‌گذارند. چنان‌که طبق نظر نسر، محیط متغیرهای بسیاری دارد و افراد بسته به عوامل درونی و محیطی، از بعضی محیط‌ها می‌گذرند، به بعضی دیگر توجه و آنچه را که می‌بینند ارزیابی می‌کنند (نسر، ۱۳۹۳، ۴). بازنمایی ساختارهای ذهنی را می‌توان در قالب خاطره‌انگیزی^{۱۵} مطرح کرد؛ بنابراین از مؤلفه‌های محیطی مؤثر در افزایش تصویرسازی‌های ذهنی، فضای خوانا و خاطره‌انگیز هستند.



تصویر ۲: فرایند دستیابی به مؤلفه‌های محیطی از عامل تصویرسازی ذهنی

در این پژوهش مؤلفه‌های انعطاف‌پذیری، خوانایی و خاطره‌انگیزی که در پیدایش منظر فرهنگی مؤثر هستند، مؤلفه‌های "تکوینی" منظر فرهنگی نامیده می‌شوند.

۷-۲- مؤلفه‌های مؤثر در حفظ ارزش‌های منظر فرهنگی

به منظور دستیابی به مؤلفه‌های مؤثر در صیانت از ارزش‌های ملموس و ناملموس، هدایت تغییرات و تداوم فعالیت‌های انسانی و محیطی، اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی و همچنین دیدگاه‌های صاحب‌نظران در قالب دو جدول زیر بررسی می‌شوند.

جدول ۱: بررسی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی پیرامون حفاظت مناظر و ارزش‌های آن‌ها (گردآورنده: نگارندگان، مبتنی بر بازخوانی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، فدائی نژاد و همکاران، ۱۳۹۷ و جیحانی و صابری، ۱۴۰۱)

عنوان سند	نکات اصلی بین‌المللی پیرامون مؤلفه‌های مرتبط با حفاظت منظر
منشور ونیز ۱۹۶۴	از اولین اشارات به موضوع یکپارچگی محوطه‌های تاریخی، موضوعی است که ماده ۱۴ منشور ونیز توجه به آن را جلب کرده است. بر این اساس، محوطه‌های یادمان‌ها باید به‌طور خاص مراقبت شوند تا هم یکپارچگی آن‌ها حفظ شود و هم ساماندهی و معرفی آن‌ها به طرز شایسته تضمین گردد. بر طبق این منشور، کار حفاظت و مرمت در چنین مکان‌هایی باید با الهام از اصول مقرر این منشور انجام گیرد.
توصیه‌نامه ناپروبی ۱۹۷۶	هر محدوده تاریخی و محیط اطراف آن باید به‌عنوان یک کل به ه مپیوسته تلقی شود که توازن و ماهیت خاص آن بستگی به پیوستگی اجزای تشکیل‌دهنده آن دارد. این اجزا شامل ساختمان‌ها، ترکیب فضاها و محیط اطراف و البته ب ه همین میزان، فعالیت‌های انسانی می‌شود. لذا تمام عناصر مؤثر شامل فعالیت‌های انسانی، اهمیتی در ارتباط با کل محدوده دارند که نباید نادیده گرفته شوند. این عدم گسست یا دیده شدن اجزا به‌عنوان بخشی از یک کل بزرگ‌تر می‌تواند نوعی پیوستگی اجزا و همچنین یکپارچگی تلقی شود.
بیانیه سن آنتونیو ۱۹۹۶	در این بیانیه به‌ضرورت حفاظت از عناصر ناملموس به جهت معنا بخشیدن به عناصر ملموس و کامل کردن شناخت اهمیت معنایی مکان پرداخته می‌شود. این بیانیه با محوریت جایگاه اصالت در حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی تصویب شد. مهم‌ترین اصول مورد تأکید این سند درباره مفهوم اصالت و نقش آن در فرایند حفاظت و مدیریت میراث فرهنگی است که آن را در هفت دسته اصلی ذکر می‌کند. همچنین بر اهمیت خصوصیات عناصر ناملموس در کنار خصوصیات ملموس در مفهوم اصالت تأکید می‌نماید. در این بیانیه یکپارچگی به‌عنوان یکی از دلایل اثبات اصالت یک محوطه معرفی شده و همچنین یکی از شاخص‌هایی است که ارزش‌های برجسته و مهم محوطه را آشکار می‌کند.
سند نارا ۱۹۹۴	نگاه اساسی این سند، معطوف به اقدامات حفاظتی و اهمیت توجه به مفهوم اصالت در فرایند حفاظت است. یکی از نکات قابل توجه که در منشور نارا ذکر شده، تعیین اصالت بر پایه سنجش مکان تاریخی است: اثر میراث فرهنگی که اصالت آن احراز شده، قادر است یکپارچگی را که در سیر تاریخی زمان به دست آورده، حفظ کند. این سند در راستای حفاظت منظر به اهمیت اصالت به‌عنوان عامل مهم کنترل و تعیین صلاحیت ارزش‌ها اشاره می‌کند.
اصول والتا ۲۰۱۱	طبق معیارهای بیان شده در اصول والتا، حفاظت منظر باید شامل حفظ تعادل فضایی، محیطی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی باشد؛ همچنین در سند مورد بحث بر حفظ اصالت و یکپارچگی به‌عنوان ویژگی‌های اصلی تأکید شده است. مسئله مهم در این سند، توجه به ویژگی‌های ملموس و ناملموس در حفاظت و مدیریت منظر و حفظ تنوع فرهنگی آن‌ها در عین توجه به یکپارچگی منظر تاریخی با زندگی معاصر است.
یادداشت وین ۲۰۰۵	این یادداشت مدیریت تغییر و پایش مداوم با توجه به توسعه و تغییرات شهر را ضروری می‌داند. همچنین این مدیریت تغییر را از طریق روش‌های علمی، قوانین و مقررات و ابزارها در یک برنامه مدیریتی به رسمیت می‌شناسد. یادداشت وین سیاست برنامه‌ریزی و مدیریت تغییر و تداوم منظر را بر پایه فرایند اصالت و یکپارچگی قرار می‌دهد.

عنوان سند	نکات اصلی بین‌المللی پیرامون مؤلفه‌های مرتبط با حفاظت منظر
اصول حفاظت ۲۰۰۸	اصول حفاظت، حفاظت را به‌عنوان فرایند مدیریت تغییر، در بستر یک مکان دارای اهمیت معنایی می‌داند به‌گونه‌ای که بهترین حفاظت از ارزش‌های میراثی مکان همراه با شناخت فرصت‌ها برای آشکار کردن و تقویت ارزش‌های برای نسل‌های حال و آینده، به وقوع می‌پیوندد. اهمیت معنایی مکان تاریخی را به‌عنوان یکی از اصول ضروری حفاظت می‌داند.
مشور و اشنگتن ۱۹۸۷	مشور و اشنگتن ارتباط کیفیت منظر با عناصر مادی و معنوی را بیان‌کننده ویژگی‌های تاریخی منظر می‌داند که معتقد است با هرگونه تهدید ویژگی‌های منظر، اصالت و یکپارچگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

جدول ۲: بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران پیرامون حفاظت مناظر و ارزش‌های آن‌ها. (گردآورنده: نگارندگان مبتنی بر بازخوانی نظریه‌های صاحب‌نظران مرتبط و فدائی نژاد و همکاران، ۹۷)

نظریه‌پرداز	نکات اصلی نظریه‌ها پیرامون مؤلفه‌های مرتبط با حفاظت منظر
راسلر Rossler, 2008	در زمینه حفاظت و تداوم منظر فرهنگی بر اهمیت و نقش توأمان مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی تأکید می‌کند. به عبارتی، توجه به معیار یکپارچگی بصری، عملکردی و ساختاری در کنار معیار اصالت به‌منظور حفاظت و ارزیابی میراث کلان‌مقیاس به‌ویژه مناظر فرهنگی را ضروری می‌داند.
میچل Mitchell, 2008	اهمیت معنایی به‌عنوان سنگ محک برای شناسایی ویژگی‌های کلیدی منظر است که باید در گذر زمان حفظ و پایا گردد. میچل علاوه بر اهمیت معنایی به اهمیت دستیابی به تعادلی بین تداوم و تغییر در حفاظت از اصالت و یکپارچگی منظر فرهنگی نیز اشاره می‌کند. وی اصالت را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده اصلی در ارزیابی محیط‌های انسان‌ساخت معرفی می‌کند.
اندروز و باگی Andrews & Buggery, 2008	با توجه به تداوم منظرهای فرهنگی، حفاظت ذات حقیقی مکان است. اصالت مناظر فرهنگی تغییر آن‌ها را تصدیق می‌کند که اصالت به مردم، فرهنگ و سنت‌های آن‌ها مرتبط می‌شود.
ادونل و ترنر O'Donnell & Turner, 2012	منظر مجموعه‌ای یکپارچه و وابسته به ارزش‌ها است که شامل بیان‌های ملموس و ارزش‌های ناملموس استقرار یافته در آن مکان‌ها است. منظر در یک شبکه پیچیده رشد و نمو می‌یابد که این تغییرها باید در هماهنگی با گذشته و نه در تضاد با آن باشد. یکپارچگی منظر شهری به‌عنوان جایگاهی است که طبق آن تعاملات تاریخی انسان و طبیعت که منظر فرهنگی را به وجود آورده امروز باقی‌مانده است.
یوکیلهتو Jokilehto, 2010	منظر توسط فرایندهایی طولانی و در پاسخ به تغییرات در طول زمان ایجاد شده است که ایجاد سیستمی مدیریتی بر مبنای حفظ ارزش‌ها با توجه به میزان اصالت و یکپارچگی لازم و ضروری است.

جدول ۳: مؤلفه اصالت و یکپارچگی در میان اسناد، کنوانسیون‌ها و دیدگاه صاحب‌نظران (گردآورنده: نگارندگان)

مؤلفه‌ها	اسناد، کنوانسیون و صاحب‌نظران
اصالت	بیانیه سن آنتونیو - اندروز و باگی
یکپارچگی	ادونل و ترنر
اصالت و یکپارچگی	مشور ونیز _ توصیه‌نامه ناپروبی _ سند نارا _ اصول والتا _ یادداشت وین _ مشور و اشنگتن _ راسلر _ میچل _ یوکیلهتو

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در میان نظرات و آراء صاحب‌نظران، مفاهیم اصالت^{۱۶} و یکپارچگی^{۱۷} بیشتر مطرح شده است. این مفاهیم در پی ضرورت شکل‌گیری چارچوبی برای حفاظت از منظر و به حداقل رساندن تقابل میان رویکردهای حفاظت و توسعه بکار گرفته می‌شود. بسط تعریف میراث فرهنگی به شهرها و بسترهای تاریخی - طبیعی، تعریف جامع‌تری از اصالت مطرح می‌کند که بعد تغییر را که لازمه ذات پویایی شهری است در کنار تداوم وضعیت ثابت و پایداری مدنظر قرار می‌دهد. از این‌رو، مفهوم اصالت در بسترهای پویا بیانگر تغییر، تداوم و ثبات در کنار هم است. تداوم زمانی در مسیر صحیح خود گام برمی‌دارد که اصالت، چگونگی تغییر در منظر فرهنگی، مردم و جامعه را تصدیق نماید و بر این اساس از ذات و ماهیت حقیقی مکان حفاظت می‌شود. زمانی این تداوم و پیوستگی قابل ارزیابی است که جنبه خلاقیت نیز در روند بهبودبخشی خودنمایی کند؛ بنابراین بهبودبخشی مناظر نیازمند بازشناسی اصالت فرآیندهایی است که در خدمت

حفظ تداوم ویژگی‌های منظر و ارزش‌های ناملموس مرتبط با آن هستند. همان‌طور که میچل (Mitchell, 2008) رابطه اصالت و منظر فرهنگی را به‌واسطه شکل‌گیری منظر فرهنگی در چارچوب زمانی طولانی‌مدت نیازمند پابندی و تعهدات نسل‌های متوالی در صیانت و حفاظت از این آثار می‌داند. مفهوم اصالت در ارتباط با ارزش‌های ملموس و به‌ویژه ناملموس بیشتر به ابعاد ثبات، تداوم باوجود تغییر اشاره دارد.

در مؤلفه یکپارچگی نیز همانند مؤلفه اصالت، لازم است به دو وجه ملموس و ناملموس ارزش‌ها توجه شود. یکپارچگی را می‌توان به معنای تمامیت ارزش‌های منظر دانست که باوجود تغییر و تداوم مانع از اختلال در ارزش‌ها و ویژگی‌های ذاتی منظر می‌شود. در مؤلفه یکپارچگی منظر ضمن توجه همه‌جانبه به طیف متنوعی از ارزش‌ها، اعم از تاریخی، فرهنگی و طبیعی به بهبودی یکپارچه در بسترهای تاریخی - طبیعی پرداخته می‌شود. در بحث یکپارچگی، نحوه مشارکت و تعامل هر جزء با جزء دیگر و کل مجموعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و وحدت و هماهنگی بین آن‌ها بررسی می‌شود که نگاهی از جهت ترکیب عناصر در کنار هم است، به‌گونه‌ای که هر جزء به‌عنوان بخشی از یک کل حس جهت‌دهی به‌سوی هدف را القا می‌کند. در این ارزیابی چگونگی شکل‌گیری عناصر اصلی و تأثیر نیروهای محرک بر روابط بین آن‌ها و چگونگی شکل‌دهی به حس مکان به‌منظور مشارکت، مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارتی می‌توان یکپارچگی را در رعایت ارتباطها و پیوستگی‌ها از نظر بصری و ساختاری (کالبدی و عملکردی) ارزیابی کرد، از طرف دیگر، وحدت و هماهنگی موجود در یکپارچگی به معنی تقلید کردن در روند بهبودی منظر فرهنگی نیست؛ بلکه به معنای خدشه وارد نکردن به ارزش‌های بستر و استفاده از اصول کلی موجود در آن در روند حفاظت و بهبودی است. همان‌طور که ریچارد راجرز (Rogers, 1988) هشدار می‌دهد، نه فقط در زمینه معماری بلکه در تمامی زمینه‌ها، عبرت از گذشته، تنها راه پیش‌روست و تاریخ، نخستین سازنده محسوب می‌شود؛ اما تقلید از فرم تاریخی، بدون شناخت محتوا باعث کاهش ارزش و اعتبار آن است. شهر ماهیتی پویا دارد و مدام در حال تحول است. امروزه، این تغییرات کمتر به ارزش‌های گذشته خود نگاه می‌کند و با از بین بردن خاطره‌های جمعی، باورها و آیین‌ها، زوال هویت جامعه را فراهم می‌سازد. توسعه‌های جدید به هراندازه که با جوهره اصالت میراث همخوانی و سازگاری بیشتری داشته باشد در تعادل و یکپارچگی بیشتر با حفاظت خواهند بود و اثر میراثی اصیل‌تر و منسجم‌تر می‌گردد (فدائی‌نژاد و عشرتی، ۱۳۹۳).

۸- بحث و تحلیل

این پژوهش تلاش کرد توضیح دهد که رویکرد منظر فرهنگی چگونه و با چه مؤلفه‌هایی می‌تواند زمینه‌های بهبودبخشی و بازآبادانی بسترهای تاریخی و طبیعی شهری را فراهم کند. داده‌های به‌دست‌آمده از پژوهش نشان می‌دهد مفهوم بسترهای تاریخی و طبیعی شهر بر ویژگی‌های کالبدی، روابط اجتماعی و آداب‌ورسوم فرهنگی دلالت دارند؛ اقدامات بهبودبخشی نیز از طریق تأکید و تقویت ویژگی‌های مثبت و پرورش توانمندی‌های بالقوه انجام می‌شود و درنهایت رویکرد منظر فرهنگی به سبب پیوند عمیق و پاینده میان وجوه فرهنگ و طبیعت و نیز به جهت بن‌مایه‌های مشترک فرهنگی و طبیعی با توانمندی‌های بالقوه بسترها، تکیه‌گاهی مفهومی و کارکردی برای اقدامات بهبودبخشی ایجاد می‌کند.

ویژگی بسترهای تاریخی طبیعی شهر	مؤلفه‌های منظر فرهنگی	اقدامات بهبودبخشی
<input type="checkbox"/> ویژگی‌های کالبدی مصنوع و طبیعی	<input type="checkbox"/> مؤلفه‌های موثر در پیدایش و تکوین منظر فرهنگی	<input type="checkbox"/> تقویت ویژگی‌های کالبدی - فضایی
<input type="checkbox"/> ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی	<input type="checkbox"/> مؤلفه‌های موثر در حفظ و تداوم ارزش‌های منظر فرهنگی	<input type="checkbox"/> تقویت ویژگی‌های عملکردی - فعالیتی
		<input type="checkbox"/> تقویت ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی

تصویر ۳: جمع‌بندی مفاهیم اصلی پژوهش (مأخذ: نگارندگان)

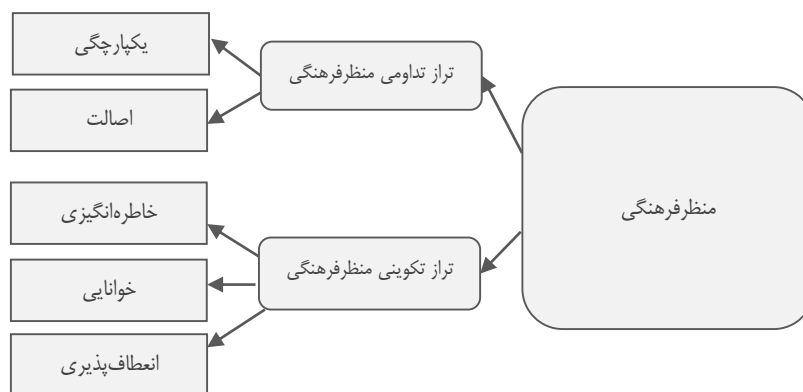
در این پژوهش، مؤلفه‌های منظر فرهنگی در دو تراز تکوین و تداوم خود را مطرح می‌کنند. مؤلفه‌های خوانایی، انعطاف‌پذیری و خاطره‌انگیزی از آنجا که در پیدایش و خلق منظر فرهنگی نقش دارند، در تراز تکوین منظر فرهنگی قرار می‌گیرند و مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی به این دلیل که در تداوم یافتن و مستمر بودن ارزش‌های منظر فرهنگی نقش دارند، در تراز تداوم منظر فرهنگی جای می‌گیرند.

جدول ۴: مؤلفه‌های کاربردی برآمده از ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی (مأخذ: نگارندگان).

خوانایی	انعطاف‌پذیری	خاطره‌انگیزی	تراز تکوینی تراز تداومی
اصالت _ خوانایی	اصالت _ انعطاف‌پذیری	اصالت _ خاطره‌انگیزی	اصالت
یکپارچگی _ خوانایی	یکپارچگی _ انعطاف‌پذیری	یکپارچگی _ خاطره‌انگیزی	یکپارچگی

ترازهای تکوینی و تداومی منظر فرهنگی، لازم و ملزوم یکدیگر، جدانشدنی و درهم‌تنیده‌اند. به بیان دقیق‌تر، مؤلفه‌های تداومی، شرط تداوم و استمرار مؤلفه‌های تکوینی هستند و مؤلفه‌های تکوینی تجلی‌گاه اصالت و یکپارچگی تراز تداومی. درهم‌تنیدگی این دو تراز و مؤلفه‌های آن‌ها، غنا و پایداری منظر فرهنگی را موجب می‌شود. جدول زیر کاربست وحدت یافته‌ای از مؤلفه‌های تکوینی و تداومی منظر فرهنگی را نشان می‌دهد.

همان‌طور که قبل‌تر ذکر شد بن‌مایه مشترک میان بستر تاریخی و فرهنگی شهر و منظر فرهنگی، وجوه فرهنگ و طبیعت است، بهبودبخشی زمانی محقق می‌شود که کاربست مؤلفه‌های وحدت یافته منظر فرهنگی در وجوه فرهنگی و طبیعی بسترها جاری و ساری شود، ویژگی‌های فضایی _ کالبدی، عملکردی _ فعالیتی، اجتماعی _ فرهنگی آن‌ها را تقویت کرده و توانمندی‌های بالقوه بسترها را به فعلیت برساند.

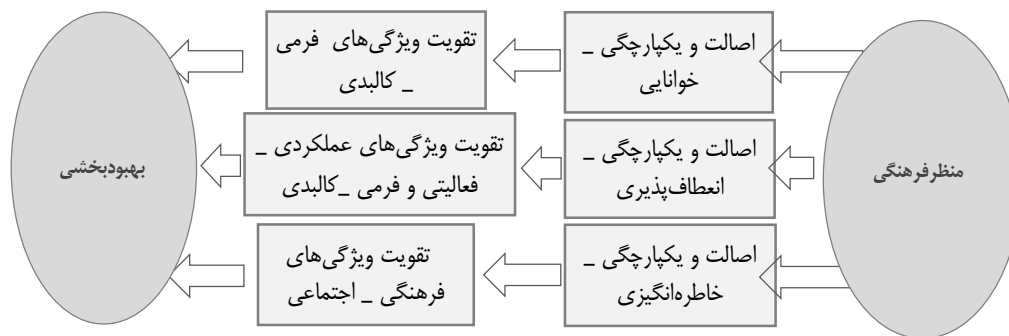


تصویر ۴: تبیین ترازهای منظر فرهنگی (مأخذ: نگارندگان).

۶- نتیجه‌گیری

این پژوهش در ادامه پژوهش‌های پیش از خود، با نگاهی دیگر به مقوله منظر فرهنگی پرداخته و مؤلفه‌های مؤثر منظر فرهنگی را در دو تراز تکوینی و تداومی تبیین می‌کند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که منظر فرهنگی از طریق وحدت ترازهای تکوینی و تداومی، در ایجاد و همچنین استمرار مؤلفه‌های منظر فرهنگی مؤثر واقع می‌شود. ترازهای تکوینی، معرف تراز از منظر فرهنگی است که در ایجاد و آفرینش منظر فرهنگی مؤثر است و مؤلفه‌های خوانایی، انعطاف‌پذیری و خاطره‌انگیزی را دربر می‌گیرد و تراز تداومی مبین تراز از منظر فرهنگی است که در تداوم و استمرار ارزش‌های منظر فرهنگی اثرگذار است و مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی را شامل می‌شود. وحدت مؤلفه‌های تکوینی و تداومی هر یک از ترازها، مؤلفه‌های کاربردی، منسجم و پایدار از منظر فرهنگی به دست می‌دهد که می‌تواند بر بهبودبخشی

بسترهای نیمه فعال مؤثر واقع شود. مؤلفه‌های اصالت و یکپارچگی در تراز تداومی، به علت مفاهیم بنیادینی که در خود مستتر دارند و نیز درهم‌تنیدگی در بیان تمامیت و هویت ارزش‌های ملموس و ناملموس در ادامه، باهم ذکر می‌شوند.



تصویر ۵: اثرگذاری مؤلفه‌های کاربردی منظر فرهنگی بر بهبودبخشی بسترهای تاریخی و طبیعی شهری (مأخذ: نگارندگان)

از آنجا که بهبودبخشی بر تقویت ویژگی‌های فرمی - کالبدی، عملکردی - فعالیتی، اجتماعی - فرهنگی تأکید دارد می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. مؤلفه کاربردی اصالت و یکپارچگی - خوانایی همچون تداوم فضایی و سلسله‌مراتب، پویایی و ایستایی فضاها و همچنین سکانس‌بندی فضاها در تقویت ویژگی‌های فرمی و فضایی،
 ۲. مؤلفه کاربردی اصالت و یکپارچگی - انعطاف‌پذیری مثل تنوع عملکردی و فرمی در منظر در عین دوری از یکنواختی در توان‌بخشی به ویژگی‌های عملکردی - فعالیتی،
 ۳. مؤلفه کاربردی اصالت و یکپارچگی - خاطره‌انگیزی مانند توجه به الگوهای موجود در زمان حال و گذشته بستر، در بازیابی ویژگی‌های هویتی - فرهنگی بسترها، کارآمد و مؤثر هستند. به این طریق، یکپارچگی و اصالت در پیوند با خوانایی، انعطاف‌پذیری و خاطره‌انگیزی در تقویت ویژگی‌های فرمی، عملکردی و معنایی بسترها اثرگذار بوده و از این رهگذار بهبودبخشی، ساماندهی و بازآبادانی بسترهای تاریخی و فرهنگی شهری به دست می‌آید.
- این پژوهش با نگاهی متفاوت به منظر فرهنگی و تبیین ترازهای تکوینی و تداومی، موجب فهم بهتر از منظر و نیز درک بهتر مشکلات آن شده و با بهره‌گیری از مؤلفه‌های کاربردی منظر فرهنگی، می‌توان آن‌ها را در بحث فهم، تبیین، برنامه‌ریزی و حتی عملیات اجرایی در بسترهای شهری به کار بست.

پی‌نوشت‌ها

- ¹ Settings
- ² Improvement
- ³ Simon Schama
- ⁴ Otto Schlüter
- ⁵ Carl Sauer
- ⁶ Tangible heritage
- ⁷ Intangible heritage
- ⁸ perception
- ⁹ cognition
- ¹⁰ schemata
- ¹¹ Affordance. این لغت برای اولین بار توسط گیسون (۱۹۷۹) عنوان شده است.
- ¹² Mental image
- ¹³ Flexible space
- ¹⁴ Legibility
- ¹⁵ Memorable

16 Authenticity

17 Integrity

منابع

- بنیادی، ن. (۱۳۹۰). بررسی واژگان تخصصی و روش‌های مرمت بافت‌های تاریخی. صفه، ۲۱(۴)، ۱۲۵-۱۴۰.
- پورسراجیان، محمود. (۱۳۹۵). ارزیابی طرح‌های پیشنهادی برای زمین تملک‌شده محله تاریخی دارالشفاء یزد بر اساس رویکرد حفاظت و بازآفرینی یکپارچه. معماری اقلیم گرم و خشک، ۴(۴)، ۱۵-۳۲.
- جعفرپورناصر، ساناز، اسفنجاری کناری، عیسی و طبیبیان، منوچهر. (۱۳۹۹). رویکرد منظر شهری تاریخی ابزاری جدید برای مدیریت میراث شهری. فرهنگ معماری و شهرسازی اسلامی، ۵(۱)، ۱۸۳-۱۹۹.
- جیحانی، حمیدرضا و صابری، ثمنه. (۱۴۰۱). ارزیابی یکپارچگی در محدوده‌های شهری تاریخی، با تکیه بر مطالعه محله سلطان امیر احمد کاشان و محدوده‌های پیرامون. مطالعات معماری ایران، ۱۱(۲۲)، ۵۵-۷۹.
- حبیبی، سیدمحسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۱). اصطلاحات و واژه‌شناسی مرمت. هفت شهر، سال ۴، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۴-۸.
- حبیبی، سید محسن و مقصودی، ملیحه. (۱۳۸۶). مرمت شهری: تعاریف، نظریه‌ها، تجارب، منشورها و قطع‌نامه‌های جهانی، روش‌ها و اقدامات شهری. تهران: دانشگاه تهران.
- طالبیان، محمدحسن و فلاحت، محمدصادق (گردآوری و تدوین) (۱۳۸۸). منظرهای فرهنگی: مجموعه مباحث کارگاه کارشناسی ارتقاء مدیریت و برنامه‌ریزی منظرهای فرهنگی میراث جهانی، خردادماه ۱۳۸۵. بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد با همکاری دفتر امور فرهنگی- اداره برنامه‌ریزی و نشر، مردودشت.
- عینی‌فر، علیرضا و عشرتی، پرستو (۱۳۹۶). رویکردی کل‌نگر به نسبت فرهنگ و طبیعت در منظر فرهنگی (مورد پژوهی: بم). نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۸۱-۹۲.
- فدائی نژاد، سمیه و همکاران (۱۳۹۷). اصالت و یکپارچگی در حفاظت منظر فرهنگی. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- فدائی نژاد، سمیه و عشرتی، پرستو (۱۳۹۳). واکاوی مؤلفه‌های بازشناخت در حفاظت میراث فرهنگی. نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، دوره ۱۹، شماره ۴، صص ۷۷-۸۶.
- فلاحت، محمدصادق و کمالی، لیلیا و شهیدی، صمد. (۱۳۹۶). نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری. باغ نظر، دوره ۱۴، شماره ۴۶، صص ۱۵-۲۲.
- گل‌کار، کوروش (۱۳۹۰). آفرینش مکان پایدار تأملاتی در باب نظریه طراحی شهری. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- لنگ، جان (۱۳۸۸). آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی محیط. ترجمه: علیرضا عینی‌فر. تهران: دانشگاه تهران.
- میرزاد جهرمی، سارا و پورجعفر، محمدرضا و حاجی‌پور، خلیل (۱۴۰۰). جایگاه منظر فرهنگی در نظام معماری و شهرسازی ایران؛ فرامطالعه مقالات علمی موجود. مطالعات معماری ایران ۱۹: صص ۲۳۱-۲۴۴.
- نسر، جک آل (۱۳۹۳). تصویر ذهنی ارزیابانه از شهر. ترجمه: مسعود اسدی محل چالی. تهران: انتشارات آرمان‌شهر (نشر اصلی اثر ۱۹۹۷).
- Aalen, F. H. A., Whelan, K., & Stout, M. (2011). *Atlas of the Irish Rural Landscape*. University of Toronto Press. <https://books.google.com/books?id=U0COSQAACAAJ>

- Bandarin, F. and Van Oers, R. (Eds). (2014). Reconnecting the city: the historic urban landscape approach and the future of urban heritage. John Wiley & Sons.
- Conley, T. L. (2017). Urban Settings. In K. Pepler (Ed.), *The SAGE Encyclopedia of out-of-school Learning*. SAGE Publication. <https://doi.org/http://dx.doi.org/10.4135/9781483385198.n303>
- English Heritage. (2008), Conservation principles: policies and guidance for the sustainable management of Historic Environment, English heritage, London.
- Fowler, P. (2001). Cultural Landscape: Great Concept, Pity about the Phrase. In *The Cultural Landscape: Planning for sustainable Partnership between People and Place*. London: Icomos-uk, 64-69.
- Hertzberger, H. (1991). *Lessons for Students in Architecture*. Rotterdam: 010.
- Konijnendijk, C. (2008). *The Forest and the City The Cultural Landscape of Urban Woodland*, Springer.
- Mitchell, N. (2008). Considering the Authenticity of Cultural Landscape. in: Waite, Diana. (Ed.), *APT Bulletin* (pp. 25- 32), Vol. XXXIX, No. 2-3, Published by Association for Preservation Technology International.
- O'Donnell, P. M. (2008). *Urban Cultural Landscapes & the Spirit of Place*, ICOMOS QUEBEC.
- Plachter, H., Rossler, M. (1995). Cultural landscape: reconnecting culture and nature. In: B. von Droste et al. (eds.), *Cultural Landscapes of Universal Value. Components of a Global Strategy*. Jena, Fischer Verlag.
- Rogers, R. (1988). Belief in the future is rooted in the memory of the past. *Royal Society of Arts Journal*, (November): 873-884
- Sauer, c. o. (1925). *The Morphology of Landscape*. In *Land and Life: A Selection from the Writings of C.O.Sauer*, edited by J. Leighley. Reprinted by University of California Press, Berkeley, 1963: 315-343.
- Smith, J. 2015. Civic Engagement Tools for Urban Conservation. In *Reconnecting the City*, eds. Francesco Bandarin, & Ron van Oers, 221–248. Chichester: Wiley Blackwell.
- Taylor, K. (2018). Connecting Concepts of Cultural Landscape and Historic Urban Landscape: The Politics of Similarity. *Built Heritage* 2, 53–67.
- Taylor, K. and Clair A. St. and Mitchell N.J. (Eds). (2014). *Conserving Cultural Landscape, Challenges and New Directions*, NY and London, Routledge: Tylor and Francis Group.
- UNESCO World Heritage Center. (1992). *Cultural Landscape*. Available from: whc. unesco.org/; accessed October 2009, 15.
- UNESCO. (2009). *World Heritage Cultural Landscapes: A Handbook for Conservation and Management, Volume 26 of World Heritage papers*. https://books.google.com/books?id=vj4_1rqaBggC
- UNESCO. (2011). *Recommendation on the Historic Urban Landscape*, adopted by the General Conference at its 36th session, 10 November 2011, UNESCO World Heritage Centre: Paris.
- UNESCO. (2021). *Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention*.
- Worthing, D. and Bond, S. (2008). *Managing built heritage: the role of cultural significance*. John Wiley & Sons.
- Zeile P. et al. (2015). Urban emotions: benefits and risks in using human sensory assessment for the extraction of contextual emotion information in urban planning. *Planning support systems and smart cities*, (12): 209-225.

Original Research Article

A cultural landscape approach to the improvement of historical and natural urban settings

Mohammad Sadegh Falahat^{1*}, Maryam Kalami², Mahdis Nejat³

- 1- Associate professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Zanjan, Zanjan, Iran.
- 2- Assistant professor, Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Zanjan, Zanjan, Iran.
- 3- Master of architecture, Department of Architecture, Faculty of Engineering, University of Zanjan, Zanjan, Iran.

 10.22034/ahdc.2024.20860.1775

Received:
November 12,
2023

Accepted:
May 31, 2024

Keywords:
Cultural
landscape,
Improvement of
historical-
natural settings,
Formative and
continuity of the
cultural
landscape

Abstract

The primary core of many cities was formed and developed in a historical and natural context, which can be called the setting. Over time, with the expansion of cities and technological, economic and demographic developments, urban settings have been marginalized and turned into inefficient and semi-active textures. Improvement is a set of actions that aim to strengthen the positive characteristics of urban textures and buildings, and the potential historical and natural capabilities are the strengths of these settings; therefore, strengthening historical and natural settings can lead to their revival and organization. Considering that cultural landscape is concerned with nature and culture at the same time, and these two aspects are the common foundations between cultural landscape and historical and natural settings, it is an effective approach to improving and reinforcing urban settings.

The purpose of this research is to find out which components from the cultural perspective strengthen the spatial, functional, and cultural characteristics and ultimately improve these settings. Therefore, the research analyzes and explains the concept of cultural landscape and, finally, by explaining the levels of development and continuity of cultural landscape, it extracts effective practical components from them. The research method is qualitative and analytical. By collecting data from library sources, a review of theories, documents and conventions is done. After the concepts are analyzed, the formative and continuity levels and practical components of the cultural landscape are explained.

The results of the research show that the unity of the formative and continuity levels of the cultural landscape bear upon three practical components including a) authenticity and integrity, b) legibility, authenticity and integrity, and c) flexibility, authenticity, integrity, and memorability, each of which respectively strengthens the a) formal, physical characteristics, functional and activity, and sociocultural and natural historical settings. Thus, form, function, and meaning are revived, and the improvement of the settings is realized.

